

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@afgazad.com

Political

سیاسی

یادداشت:

تشریف آوری و آغاز همکاری آقای داکتر " ثنا نیکی " را با پورتال " افغانستان آزاد – آزاد افغانستان " از صمیم قلب خیر مقدم و شادباش گفته، امیدواریم نشر این مقاله سر آغازی باشد برای ادامه همکاری های بیشتر میان ایشان و پورتال " افغانستان آزاد – آزاد افغانستان ".

پیروز و کامگار باشید
اداره پورتال AA-AA

نویسنده: داکتر ثنا نیکی
کارشناس در رشته حقوق و دولت
پانزدهم نومبر ۲۰۰۹، تورنتو، کانادا

شیوه های اداره " دولت جهانی " در افغانستان (ما را " جهانی " می سازند، تا جهانی نشویم)

من مخالف جهانی شدن نیستم، ولی مخالف سرسخت جهانی ساختن می باشم. ما را نمی گذارند که جهانی شویم، ما را جهانی می سازند. جهانی ساختن همان طوریکه در گذشته ناکام بوده و در حال و آینده هم ناکام خواهد بود، زیرا با روند جهانی شدن واقعی در مخالفت است. جهانی شدن پروسه تدریجی و قانونمند است که مردمان جهان را با هم نزدیک می سازد، ولی جهانی ساختن نفرت و خصومت، تبعیض و تفرقه را بار آورده است که جان میلیون ها انسان را گرفته و ارزش های تاریخی بشریت را نابود کرده و جنگ تمدن ها را به اوج آن رسانیده است. جهانی ساختن فریبی است که به جای صلح جنگ می آفریند، زیر نام دموکراسی استبداد می آورد، به نام خدا مردم را می کشند و به نام جهانی ساختن قانون قبیله را بر هر کشور حاکم می سازند.

قابل توجه بارک اوباما برنده جایزه صلح نوبل و کسیکه وعده تغییرات داده بود

افغانستان به آزمونگاه دایمی " دولت جهانی " که با عجله و به کاربرد شیوه های اجباری و استفاده از امکانات نظامی تحقق می یابد، تبدیل شده است. " جامعه جهانی " اصطلاح مرموز و تقلب شده ای است که ظاهراً به مفهوم دولت های کشور های ذیدخل در این مسأله به نمایندگی از مردمان شان میباشند. ولی این اصطلاح در بطن دقیقاً تقلب شده است که در عقب آن گروه های الیگارشسی مالی و مافیای جهانی قرار دارند که توانسته اند به تدریج قدرت

را در کشور های شان غصب و به قدرت فراملتی تبدیل شوند. گرداننده های "جامعه جهانی" در صدد تشکیل دولت جهانی هستند.

در باره پیدایش، رشد و زوال، تشکیل، ساختار این دولت مرموز ولی معلوم در مقالات بعدی تماس خواهم گرفت. در نیشته حاضر تنها شیوه های اداره و اسالیب کار آنها که مظاهر انکارناپذیر آن در زادگاه افغانستان دیده می شود، به دست بررسی می گیرم. شیوه های اداره "دولت جهانی" در افغانستان زیاد است که عمده ترین آنها را قرار ذیل معرفی می نمایم:

شیوه اول: تقلب

تقلب، تزویر، فریب، نیرنگ و حيله گری یکی از اصول "دولت جهانی" است که همه ساحات زندگی را در بر می گیرد. به خاطر اثبات این ادعا، می خواهم اجرای این اصل "دولت جهانی" را در ساحات مختلف مسایل افغانستان، در عملکرد کشور های خارجی در این سرزمین با مثال های عینی و انکارناپذیر روشن نمایم:

۱. تقلب نمایندگی:

یکی از خطرناکترین تقلب ها در عملکرد "دولت جهانی" تقلب نمایندگی مردم است که نمایندگی مردم در امور سیاسی، اداره اقتصاد کشور و مهمترین ساحات زندگی تقلب می شود.

تقلب نمایندگی مردم به دو نوع انفرادی و گروهی انجام می شود که مثال انفرادی آن گماشتن افراد قبلاً تربیه شده یا اجیر شده از هر قوم یا گروه سیاسی و مذهبی می باشد که به صفت نماینده برای شان هویت داده می شود. جالب اینکه تقلب نماینده نه تنها نمایندگی مردم در اداره مملکت، بلکه نمایندگی در میان مردم هم تقلب می شود. مانند گلبدین نماینده مردم پشتون، آصف محسنی نماینده مردم تشیع و غیره.

تقلب در نمایندگی آنقدر عمیق گردیده که نه تنها بازیگران دستگاه دولتی، بلکه گروه های اپوزیسیون دولت نیز تقلب میگردند. من در سال ۲۰۰۵ در مقاله تحلیلی ام تقلب را در انتخابات پارلمانی افغانستان شناسایی کرده نوشته بودم:

"تقلب، جعل و مشکلتراشی: نقایص در انتخابات پارلمانی عمیقاً در بطن مسأله بوده که به مثابه جز انفکاک ناپذیر پلان انتخاباتی و اقدام تکتیکی گرداننده های سیاست های بزرگ در افغانستان است."

همچنان در همین مقاله جعلی ساختن اپوزیسیون را نیز بررسی کرده بودم که در بخش هشتم این نوشته به آن مراجعه خواهیم کرد.

من با کسانی که تقلب را یک مسأله خالص داخلی میدانند و یا آنها اشتباه "جامعه جهانی" می خوانند، مخالف هستم و با اطمینان کامل تقلب را به حیث شیوه کار "جامعه جهانی" و ابزاری برای اجرای "جهانی ساختن" اشتباه آمیز می دانم. من اصطلاح "جهانی ساختن" را عمداً به جای "جهانی شدن" به کار می برم. زیرا آنها مردم را نمی گذارند که جهانی شوند، آنها مردم را "جهانی" می سازند، تا آنها را با جهانی شدن در مخالفت قرار بدهند.

۲. تقلب در تعداد نفوس:

این تقلب بزرگ به کمک حمایتگران خارجی توسط حکومت های خاندانی، قبیله یی، تنظیمی و حزبی صورت گرفته و هرگاه تلاش های مبنی بر اجرای پلان های نفوس شماری به وجود آمده، این پلان ها قبل از اجراء و یا بعد از اجراء مورد سبوتاژ قرار گرفته است.

در باره نفوس شماری افغانستان تا حال سه بار ، در دوره های رژیم های محمد داوود، نورمحمد تره کی و استقرار اداره بن در افغانستان، اقداماتی صورت گرفته که هر کدام به نوبه خود یا قبل از آغاز و یا بعد از اجرای آن بی نتیجه مانده است. در زمان حکومت محمد داوود اجرای نفوس شماری به خاطر تحقق پلان پنجساله طرح شد و عملی نگردید. در زمان حکومت نورمحمد تره کی نفوس شماری تحت شعار "بشماریم تا بدانیم" اجراء شد و یگانه نفوس شماری افغانستان بود که تقریباً عملی گردید، ولی نتایج آن توسط حفیظ الله امین و عناصر متعصب و وابسته به خارج طوری که لازم بود، اعلان نشد.

تأسیس حکومت بن در سال ۲۰۰۱ نفوس شماری را یکی از وظایف مهم اداره مؤقت دانسته بود که باید با همکاری ملل متحد انجام می شد. از آنجاییکه اداره بن خود تقلبی بیش نبود، با اعلان پلان های انکشافی مردم را فریب داده و حکومت اجباری و فرستاده "بن" را بالای مردم تحمیل نمودند. بعد از استقرار حکومت تقلبی در کابل هرگز کسی در باره نفوس شماری اقدام نکرد. بعد از گذشت هشت سال باز هم همه امور افغانستان به نوحی از طرف گروه های ساخته شده در "بن" اداره می گردد.

۳. **تقلب در قوانین:**

مثال هایی را در زمینه تقلب قانون که در بخش های طرح، تصویب و اجرای قوانین در افغانستان صورت گرفته، مشت نمونه خروار ارائه می کنم:

مثال اول: قانون اساسی که مهمترین وثیقه یک کشور و مادر همه قوانین است، در افغانستان با تقلب به وجود آمد. اسنادی را که بعداً از انفاذ قانون اساسی توسط افراد اعضای "لویه جرگه" قانون اساسی از جمله از طرف حفیظ الله منصور ارائه و نشر گردید، معلوم شد که تقلبات زیاد در موارد سرود ملی، زبان های رسمی افغانستان صورت گرفته است.

در جای دیگر مقاله ای که در بالا ذکر شد، آمده است: **" در اجلاس اول جنوری مصادف به نهم روز لویه جرگه مجددی ماده اول اجنداء را به صلاحیت خودش و بدون مشوره و رأی گیری حذف و مخالفین کلمه اسلامی را کافر و ملحد خواند بعد از آنکه نماینده های معترض اجلاس را ترک نکردند و نتیجه رأی گیری چنین بود که از ۵۰۰ نماینده ۲۸۶ آنها در رأی گیری اشتراک نکرده بودند. به همین ترتیب اجلاس برهم خورد و هیچ ماده ای به تصویب نرسید و معترضین که در برابر دسیسه ای قرار داشتند ، نسبت به مدیریت لویه جرگه و دولت انتقالی بی باور و مشکوک بودند و از این پرده ها را درینند و گرداننده های های پشت پرده را به صحنه آوردند. موضوع به وساطت زلمی خلیلزاد سفیر امریکا و اخضر براهمی «نماینده یهودی الاصل» سازمان ملل متحد در افغانستان از سر گرفته شد که بعد از چند دور مذاکره براهمی (در افغانستان مشهور به «ابراهیمی») و خلیلزاد به نماینده های معترض اطمینان دادند که جانب کرسی موضوعات ذیل را پذیرفته است:**

مسئولیت رییس دولت در مقابل پارلمان؛ به رسمیت شناخته شدن زبان ازبکی در مناطق ازبک نشین؛ ابقای کلمه مقاومت در متن قانون اساسی؛ سرود ملی به زبان های پشتو و فارسی؛ نظارت پارلمان بر نشر و طبع سیاست پولی؛ ایجاد دیوان عالی نظارت بر قانون اساسی؛ همزمان بودن انتخابات ریاست دولت و پارلمان، که خلیل زاد آن را قبول داشت ولی ابراهیمی بر آن معترض بود.

در این موافقتنامه پسوند «اسلامی» دیده نمی شد. در حالیکه در جلسات قبلی نیز به تصویب همه نماینده های لویه جرگه قرار نگرفته است. پس پسوند «اسلامی» در نظام سیاسی افغانستان مشروعیت ندارد و جا دادن آن

در قانون اساسی غیر قانونی بوده و فقط خواست سیاف ، محسنی، ربانی و آقای کرزی یا میانجی گران خارجی

است که بالای نماینده ها و مردم با فشار های مکرر و متداوم تحمیل شده است." ۲

پس تقلب از همان اساس دولت سازی که تصویب قانون اساسی رکن مهم آنست در بطن و ماهیت دولت افغانستان جاسازی شده است.

مثال دوم: تقلب در تفسیر قانون از اقدامات عمدی دولت افغانستان است که زیر نظر مستقیم "جامعه جهانی" عمل می کند. زمانیکه ایام دوره ریاست جمهوری حامد کرزی به پایان رسیده بود، آقای کرزی و "جامعه جهانی" می خواستند که کرزی باید در جریان انتخابات قدرت دولتی را چون ابزاری در انتخابات به دست داشته باشد. تغییر مواد قانون اساسی از طریق تدویر "لویه جرگه" یگانه راه قانونی آن بود. دولت افغانستان صلاحیت قانون اساسی را به محکمه عالی افغانستان واگذار شد و محکمه عالی که یکی از نهاد های انحصاری است، (به فقره ۷ این مقاله مراجعه شود)، آنرا به نفع کرزی حکم داد. همچنان معطل کردن وقت انتخابات برای مدت سه ماه هم با تفسیر تقلبی قانون به نفع کرزی انجام شد.

در حالیکه همه میدانند که محکمه عالی صلاحیت تفسیر قانون را دارد، نه پر کردن خلای قانونی را. خلای قانون توسط نهاد با صلاحیت قانونگذار که متشکل از نماینده های منتخب مردم باشد، پر می گردد. محکمه عالی که متشکل از نه قاضی انتصابی است، حق ندارند مسایل سرنوشت ساز جامعه را که صلاحیت مردم است حل کند.

۴. تقلب در بیرق و نشان دولتی و سرود ملی:

عالی ترین سمبول افتخارات ملی که عبارت از بیرق ، نشان دولتی و سرود ملی اند در افغانستان بر اساس تقلب به وجود آمده اند. در طرح و تصویب و پذیرش این سه موضوع مهم هیچ نوع خواست مردم افغانستان در نظر گرفته نشد و کوشش شد که مهمترین چیز های وحدت ملی طوری باشد که موجب نفاق ملی گردد، تا افغانها هیچگاه به آنها افتخار نداشته باشند.

مثال اول: در طرح نشان ملی، خواست های طالب و مجاهد و اقشار افراطی بیشتر در نظر گرفته شد و با استفاده سوء از دین و مذهب کوشش شد که مخلوطی از نشان های امارت طالبان و شورای جهادی و نشان رژیم مطلقه شاهی را بالای مردم افغانستان تحمیل نمایند.

مثال دوم: دولت افغانستان با لزوم دید مشاوران خارجی سرود ملی را با بی شرمی و خیره سری طوری طرح کردند که باید حتمی به زبان پشتو باشد و دوم خواست افراطیون دینی در آن منعکس گردد. گرچه در طرح و قبول سرود ملی دولت و طراحان خارجی با مقاومت بی نظیر ملی روبرو شد و هزاران اعتراض، مقاله، قطعنامه و اقدامات دیگر از داخل و خارج کشور به این مناسبت نشر و پخش شد، ولی دولت افغانستان چیزی که برایش گفته شده بود، انجام داد و به خواست مردم ارزش قابل نشد.

۵. تقلب در انتخابات:

بزرگترین آزمایش "دولت جهانی" است که شیوه کار دولت جهانی و اداره ملت های فقیر را در آن مشق و تمرین کنند که در آینده با استفاده از تقلب اداره کشور های دیگر را به دست گیرند و تقلب را به مثابه اصل مهم "دولت جهانی" بپذیرند. در تقلب انتخابات دور دوم ریاست جمهوری افغانستان از نیرنگ ها و حیلہ گیری های سیاسی و استخباراتی به طور گسترده کار گرفته شد که بررسی مفصل آن کار مهم و با ارزش است. در این جا فقط بیان مختصر در باره این تقلب بزرگ مکث می کنیم. قرار نتیجه گیری من تقلب در انتخابات افغانستان یک اقدام پلان

شده نهادینه شده، است که "جامعه جهانی" می خواهد استقرار قدرت خود را اول به صورت کشوری و منطقه ئی و بعداً در سطح جهانی عملی کند. مناقشات میان کرزی و عبدالله کاندیدان ریاست جمهوری در سطح ملی و مناقشات میان کای آیده نماینده ملل متحد در افغانستان و پیتر گالبریت معاون وی مبنی بر شریک بودن نماینده ملل متحد در تقابل انتخابات به نفع کرزی دیگر هیچ تردیدی را در مورد اجرای این تقابل از طرف ملل متحد که به ارگان بی چون و چرای "جامعه جهانی" تبدیل شده باقی نمانده است.

مثال افشای جانبداری کای آیده از طرف معاون وی که می خواست تقلبات به نفع حامد کرزی را ببوشاند، همه آگاهند که بعداً رسوایی به حدی رسید که کای آیده نماینده ملل متحد بعداً به آن اعتراف کرد. نماینده تقلبکار ملل متحد هنوز به کارش ادامه میدهد، زیرا او دستور داده شده را انجام داده و هیچ نوع مسؤولیت قانونی و اخلاقی ندارد. اگر این رسوایی در کشور های غربی انجام می شد، کای آیده باید از وظیفه اش برکنار می شد و قبل از برکناری خودش باید استعفی میداد، ولی او در کشور محل آزمایش دولت تقلبی به کارش ادامه میدهد، زیرا وظیفه اش **مدیریت تقلب** است.

قضایا پیرامون دور دوم انتخابات، انصراف داکتر عبدالله از اشتراک در دور دوم و تسلیمی قدرت به حامد کرزی بدون انتخابات از طرف بانکی مون سرمنشی سازمان ملل متحد و حالا تهدید های تصنعی اوباما رییس جمهور امریکا و گوردن براون صدراعظم انگلیس به حامد کرزی مبنی بر مبارزه با فساد، همه و همه ادامه سناریوی این تقلب بزرگ است که از جانب "جامعه جهانی" در افغانستان انجام شد. زیرا "جامعه جهانی" به یک حکومت ضعیف، نامشروع و تقلبی که پایه های مردمی نداشته باشد، نیاز دارد، تا به آزمایشات جهانی ساختن شان در افغانستان ادامه بدهند و با ریشه کن کردن همه شالوده های حاکمیت ملی، حاکمیت "جامعه جهانی" را در افغانستان مستقر و در اجرای پلان های بعدی شان از طریق ایجاد بنیادگرایی در منطقه و جهان کار کنند.

پس به کاربرد اصطلاح "تقلبات انتخاباتی" در افغانستان درست نبوده، بهتر است بجای آن اصطلاح "انتخابات تقلبی" به کار برده شود. فراموش نباید کرد که این تقلبات از طرف "جامعه جهانی" و گماشتگان داخلی و خارجی آنها است نه از طرف مردم افغانستان.

شیوه دوم: تعمیم فساد

فساد از عمده ترین شیوه های کاری "دولت جهانی" در افغانستان است که به کمک آن از استقرار دولت ملی جلوگیری می شود، اقتصاد ملی را نابود می کند، جامعه و دولت را در تناقض نگهدارد و زمینه های رشد قشر مفسد را که اداره کشور را به دست داشته باشد آماده می سازد، تا جامعه را بیشتر طبقاتی نموده و اداره آنرا برای "دولت جهانی" آسانتر نماید. من سه سال قبل مقاله ای را به نام **"جلوگیری از فساد اداری در افغانستان از راه اصلاحات اداره ممکن است، نه «جهاد»** نوشته و ادعای آقای جبار ثابت مدعی العموم افغانستان را که اعلان "جهاد" را راه حل مبارزه با فساد میدانست، رد و ماهیت فساد را یکی از خاصیت های اداره پنداشته و راه حل آنرا اصلاحات اداره پیشنهاد کرده بودم. اینک بی جا نیست که بریده ای از این مقاله را باز نویس نمایم: **"در اخیر به مثابه یادآوری، حتمی می خواهم خاطر نشان نمایم که مبارزه با فساد و جرایم در افغانستان به اصلاحات سیاسی و اداری ضرورت دارد. اداره فاسد با تبلیغ، فریاد و انتقاد اصلاح نمی شود و فساد هم نابود نخواهد شد اگر اول اداره اصلاح نشود. اگر بگوییم که در افغانستان تا حال اداره به مفهوم کامل آن وجود ندارد، اشتباه نکرده ایم.**

اداره سالم وقتی به وجود می آید که گروه های مختلف دیگرانندیش در آن شامل باشد و در یک رقابت سالم با یکدیگر شان کار کنند. اداره انحصار شده راه اصلاح ندارد و در فساد غرق گردیده و تا نابودی در آن غرق خواهد بود." ۳

حالا که از نشر این مقاله بیش از سه سال میگذرد، ثابت شد که فساد جز لاینفک اداره در افغانستان بوده و یکجا با آن قالب زده شده است. اکنون بی مورد نیست که آنرا به مثابه شیوه کار ایجادگران اداره مفسد یعنی "جامعه جهانی" بدانم. من باور کامل دارم که فاسد سازی اداره در افغانستان عمدی و پلان شده انجام شده و از آن مانند یک وسیله تهدید و ابزار تحقق پلان های خارجی استفاده می شود. دولت جهانی اداره کشور را بدنام و بی اعتبار می سازد، تا اداره خود را جاگزین آن نماید. لازم میدانم به کسانی که مخالف این ادعا بوده و با "جامعه جهانی" دید خوشبینانه و خوشباورانه دارند، مثال های ذیل را ارائه نمایم:

فاکت دیگر اینکه صدها هزار افراد مسلکی از رژیم های ظاهرشاه، محمد داوود، حکومت حزب دموکرتیک خلق، دولت مجاهدین در خارج از افغانستان مهاجر هستند که هر کدام از اجرای کار های خلاف رشته و مسلک خسته بوده و آرزوی کار در کشور زادگاه شان را دارند. "جامعه جهانی" با ایجاد هزاران موانع و تهدید ها در داخل افغانستان زمینه های بازگشت آنها را مسدود نموده و اکنون هم هزاران فرد مسلکی و کار شناس مجبور به ترک افغانستان می شوند. "دولت جهانی" مفسدین را از میان مهاجران افغان جمع آوری و بعد از اخذ تعهد، آنها را در مقامات کلیدی افغانستان جابه جا کرده و از آنها حمایت می نماید. بدبختانه افغان هایی که به خارج سفر نکرده و در همه دوره های مصیبت در وطن باقی بوده، بدبینی و حتی نفرت شان را در مقابل کارمندان از خارج آورده شده، ابراز میدارند. در حالیکه صدها هزار افغان که با مفاصد صادر شده از خارج رابطه ندارند نمی توانند در اداره کشور شان سهم فعال بگیرند. آنده افغان های غرب نشینی که در دولت فاسد افغانستان به کار های مهم و کلیدی گماشته شده اند، تصادفی نبوده، آنها روابط گوناگون با نهاد های غیر مدنی کشور های محل اقامت شان داشته و زیر امر و دستور آنها در افغانستان کار می کنند. بسیاری از افراد بلندپایه افغانستان با گروه های غیردولتی سازمان های فراملتی و مراجع مرموز وابسته اند که به افغانستان و کشور محل اقامت شان وابسته نبوده و انعکاس دهنده سازمان های فراملتی هستند. بناء اتهام فساد در افغانستان را به نام افغان های مهاجر و غرب نشین ثبت کردن عمل غیر عادلانه و نامؤثق است. در خارج از افغانستان، به خصوص در کشور های غرب عامه مردم افغانستان از حقوق سیاسی شان به ویژه از حق رأی در کشور زادگاه شان محروم هستند. این کار کاملاً عمدی است که صدها هزار افغان مقیم غرب را از حق رأی محروم می سازند تا توازن نیروهای سیاسی را به نفع بنیادگرایی و گماشته ها و جواسیس شان تغییر بدهند.

مثال دوم: گروه های مفسد از جانب دولت حمایت میگردند. زمانیکه در سال ۲۰۰۴، رمضان بشر دوست وزیر پلانگذاری حکومت کرسی می خواست، به تعداد ۱۵۳ "انجو" را که عامل فساد و چپاول و غارت پول کمک های خارجی بودند، ملغی اعلان کند، این قضیه به پرخاش بزرگ میان وزیر پلان و کرسی تبدیل شد و کرسی از انجو ها حمایت کرد و رمضان بشر دوست از سمت وزارت پلانگذاری کنار رفت. پس ناقل فساد نهادها و افراد فرستاده شده از خارج و حامی آنها رییس جمهور افغانستان می باشد. نتیجه گیری باید چنین باشد که فساد یک پدیده صادر شده از خارج بوده و جز شیوه کار دولت افغانستان و دولت سازان خارجی وی می باشد که می خواهند از فساد چون ابزاری به خاطر حفظ منافع شان استفاده کنند.

کته گوری دوم تعمیم کننده فساد و غارت اعضای خانواده های ارکان برجسته دولت می باشد که بهترین مثال آن برادران رییس جمهور کرزی است. سایت آزمون ملی در باره دو برادر کرزی می نویسد: "نامبرده (قیوم کرزی) با همکاری چند سازمان مالی ایالات متحده توانست در اشتراک با برادر دیگر خود عبدالولی (احمدولی) کرزی (فرمانروای مطلق قندهار) چند پروژه مسکونی را در قندهار احداث نماید که زمین آن در تملک دولت بود. هر دو کرزی ها این آپارتمانها را بر مردم پولدار فی دربند از ۶۰,۰۰۰ تا ۱۴۰,۰۰۰ دالر فروختند و باهم میلیونها دالر را کمایی کردند" ۴

شبکه اطلاع رسانی افغانستان از قول روزنامه دلی تلگراف می نویسد: "برادران حامد کرزی را متهم کرده که بعد از روی کار آمدن حامد کرزی در قدرت میلیون ها دالر را از راه غیر مشروع به دست آورده اند که از آن جمله سالانه ۳ تا ۴ میلیارد دالر آن نصیب قاچاقچیان مواد مخدر می شود." ۵

سایت فردا از قول روزنامه نیویورک تایمز در مطلبی بر اساس گفته های مقامات فعلی و سابق دولت آمریکا می نویسد: "احمدولی کرزی، برادر رئیس جمهور افغانستان، یکی از عوامل مهم قاچاق مواد مخدر در این کشور است و در هشت سال گذشته به خاطر خدمات و همکاری های خود به طور مستمر از سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا، سیا، حقوق دریافت کرده است.

به نوشته نیویورک تایمز، نقش احمدولی کرزی در افغانستان و مناسبات نزدیک وی با دستگاه اطلاعاتی آمریکا اکنون که ستراتیژی دولت اوپاما در مورد افغانستان مورد بررسی است به موضوع بحث انگیزی بدل شده است. به نظر می رسد که همکاری نزدیک دستگاه اطلاعاتی آمریکا با برادر رئیس جمهور افغانستان اکنون سوالات زیادی را در مورد سیاست آمریکا در افغانستان به میان آورده است." ۶

ویا "سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا به دلایل گوناگون به احمدولی کرزی پول می دهد، از جمله کمک به تجهیز یک نیروی شبه نظامی افغان که در منطقه زادگاه آقای کرزی یعنی ولایت قندهار تحت فرماندهی سیا فعالیت می کند." ۷

با این همه رسوایی ها، بعد از انتصاب حامد کرزی از طرف بانکی مون، بارک اوپاما رییس جمهور آمریکا و گوردون براون صدراعظم برتانیای همواره به گوشمالی حامد کرزی شروع کردند که او باید فساد اداری را ریشه کن کند. آنها آلودگی شان را با آستین چین کرزی پاک می کنند.

زمانی که سخنرانی گوردون براون را در پارلمان انگلستان از طریق انترنیت شنیدم، حيله گری های وی مرا به حیرت انداخت. او مسؤولیت کار پلان شده خود را به دوش کسی می اندازد که به اجرای آن کار از طرف خودش مامور شده است.

فساد در افغانستان ریشه عمیق تر از کرزی و حکومتش را دارد که در خارج از افغانستان طرحریزی شده و حامد کرزی یکی از حلقات کوچک اجراء کننده است، نه شخص تعیین کننده. به همین ترتیب، به حق خواهم بود اگر بگویم که مسأله مواد مخدر بالاتر از صلاحیت و حیطة قدرت اوپاما است.

اگر موضع گیری اوپاما و گوردون براون در مورد مبارزه با فساد در افغانستان صادق می بود، پس چرا حامد کرزی را با این همه رسوایی های فساد اداری برای بار چهارم بدون انتخابات به قدرت رسانیدند؟

هدف از تشکیل قشر مفسد در افغانستان بوجود آوردن طبقات الیگارشی مالی است. از اقدامات "جامعه جهانی" در افغانستان پیداست که کشور های مانند افغانستان، پاکستان، عراق و غیره که زیر آزمایش جهانی ساختن "دولت جهانی" قرار دارند، اداره آنها باید به شیوه های مافیایی و غیر مدنی باشد. مافیای جهانی در افغانستان به یک قشر

اجتماعی مفسد مافیایی نیاز دارد که اداره اقتصاد کشور را به دست داشته باشد و به حمایت خارج نیازمند باشد. ایجاد چنین قشری بدون فاسد ساختن امور جامعه و دولت ناممکن است. بناءً فساد اداری در افغانستان میتود کار "جامعه جهانی" بوده از تکنیک های مهم ستراتیژی جهانی ساختن به حساب می آید.

شیوه سوم: ترویج فقر و گرسنگی

تیوری پردازان نیولیبرالیزم که مافیای تیل در عقب آن قرار داشتند و حالا گرداننده های "سرمایه تفریحی" که مارکیت این سرمایه فحشاء، شرکت های قمار و مواد مخدر است، مسأله فعال سازی قوای بشری را از طریق فقر مطرح کرده اند. به باور آنها انسان وقتی فعال می شود که گرسنه باشد. به راستی از فقر چون ابزاری نیرومندی به خاطر حفظ منافع خارجی در افغانستان استفاده می شود. فقر نیروی کار را ارزان می سازد، فحشاء و استفاده نامعقول از زنان را مهیا می کند، مردم را از سیاست و خواستن حق شان دور می سازد، جامعه و دولت را محتاج و وابسته به کمک های خارجی نگه میدارد.

ترویج و تعمیم فقر در کشور های مستعمره از شیوه های دیرین انگلستان است که این کار مانند ابزاری در استحکام قدرت استعماری به کار برده می شود. لموند دیپلماتیک می نویسد: *"برخی از هواداران متعصب امپراتوری مدعی اند که تنها دوران آغازین استعمار با خشونت همراه بوده و تاریخ قرن نوزدهم و بیستم گواه آزادی و پیشرفت اقتصادی مستعمرات است. دروغی آشکار! در هند، این گوهر تابناک تاج سلطنت انگلستان، قحطی های آخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم، بیش از ۳۰ میلیون قربانی به جای گذاشت. امری که باعث نشد که مسؤلین انگلیسی صادرات غله از هند را متوقف سازند (همانطور که پیش از این در زمان قحطی سال های ۱۸۴۰ در ایرلند عمل کرده بودند) و یا دادگاه های آنها ۸۰ هزار حکم شلاق در سال را صادر نمایند.*

۴ میلیون نفر از گشنگی در سال ۱۹۴۳ در بنگال از قحطی جان سپردند که کاملاً قابل پیش گیری بود چرا که هرگز نظیر آن پس از استقلال به وقوع نپیوست. بنگلادش کنونی یکی از ثروتمند ترین مناطق جهان پیش از آمدن انگلیسی ها که به عمد صنایع نساجی اش را نابود کردند، بود. وقتی دریا لوزه دسامبر گذشته، جزایر آندامان را ویران کرد، چه کسی به خاطر می آورد که این جزایر در اوایل قرن بیستم، ۸۰ هزار زندانی سیاسی را در اردوگاه هانی جای داده بود که در آنجا پزشکان ارتش انگلستان از این زندانی ها همچون خوکچه آزمایشگاهی استفاده می کردند."

واضح است در صوتیکه "جامعه جهانی" بخواهد، بلند بردن سطح زندگی در افغانستان کار دشوار نیست. متأسفانه، به عکس فقر در افغانستان عمومیت داده می شود، راه معقول رشد اقتصاد رویدست گرفته نمی شود و از منابع آب، زراعت، صنایع و انرژی و معادن در ارتقای سطح زندگی مردم و جلوگیری از فقر گام های مؤثر برداشته نمی شود.

به علاوه از فقر در تقسیم مردم به نادار و ثروتمند و عمیق نمودن نفاق طبقاتی و ایجاد اقشار چپاولگر استفاده می شود. یکی از مثال های انکار ناپذیر جلوگیری از رشد اقتصاد ملی و تعمیم فقر، خصوصی سازی عجولانه ذخایر معدنی افغانستان است که همین اکنون به موضوع غارت چپاولگران دارایی های عامه قرار دارد. در شرایطی که دولت به مفهوم واقعی آن وجود ندارد و حاکمیت ملی زیر سؤال گرفته شده است، خصوصی سازی معادن جز غارت ذخایر معدنی نمی تواند چیزی دیگری باشد. غارتگران داخلی به حمایت خارجی ها مصروف

غارت دارایی عامه هستند و ملیون ها دالر را در بانک های خارج ذخیره می کنند و به عکس مردم افغانستان در گرداب فقر و گرسنگی دست و پا می زنند.
ادامه دارد

منابع و مأخذ:

۱. تحلیلی از انتخابات پارلمانی و مشکلات بعدی پارلمان افغانستان، صفحه های ۱، ۲ و ۲۲، شماره ۲۶ اندیشه نو، اول نوامبر ۲۰۰۵
۲. همان مقاله
۳. جلوگیری از فساد اداری در افغانستان از راه اصلاحات اداره ممکن است، نه «جهاد»، ص ۸، ش ۳۶، آرمان ملی کابل، شماره ۲ میزان ۱۳۸۵ کابل، سایت انتر نییتی کابل پرس سنبله ۱۳۸۵ کابل.
۴. سایت آزمون ملی، ۷ نومبر ۲۰۰۹
<http://www.azmoone-melli.com/index.php?number=4197>
۵. شبکه اطلاع رسانی افغانستان، از ۱۹ اسد ۱۳۸۸.
دیلی تلگراف،
<http://www.afghanpaper.com/nbody.php?id=2642>
۶. نیویارک تایمز، سایت رادیو فردا، از ۷ نومبر ۲۰۰۹
http://www.radiofarda.com/content/f2_Karzai_Ahmadvali_CIA_drug_trafficking_payroll_Obama_administration/1863543.html
۷. نیویارک تایمز، ۲۸ اکتوبر ۲۰۰۹
http://topics.nytimes.com/top/reference/timestopics/people/k/ahmed_wali_karzai/index.html
۸. لموند دیپلوماتیک، می ۲۰۰۵